

ارزش و جایگاه مادر و پدر



بسم الله الرحمن الرحيم

ارزش و جایگاه مادر

مادر واژه مقدسی است که یکی از آیات الهی است. عشق مادر به فرزندش و تحمل همه رنجها بخاطر فرزندش از عشقهای ستودنی است که برگرفته از عشق الهی است.

مادر در سعادت و یا شقاوت فرزندانش نقش بسیار مهمی دارد و مادر است که می تواند انسان سازی کند و با انجام وظایفی که بعده دارد فرزندانش را سعادتمند کند و بهشت را برای خود و فرزندانش بخرد.

اکثر کسانی که به درجات بالای معنوی رسیدند از تاثیر مادر بر روی خود می گویند و اینکه مادرشان زن پاکدامن و مومنی بوده و اگر آنها بجایی رسیده اند از برکت نفس پاک مادر بوده است

: نقش مادر در سعادت و شقاوت فرزندان

بهشت زیر پای مادران است

ابتدا درباره این حدیث نبوی توضیح مختصری می دهیم.

یکی از مهم ترین سخنان پیامبر اعظم، درباره جایگاه مادر است که فرمود بهشت زیر پای مادر است.^۱

در توضیح این حدیث شریف نبوی می گوئیم که یعنی مادر مسئولیت بسیار مهمی را در تربیت فرزندان خوب بعهده دارد که مادر اگر به وظیفه خود بخوبی عمل کند هم خود بهشتی است و هم فرزندان بهشتی خواهند بود.

الجنة تحت اقدام الأمهات- كنز العمال، ج 16، ص 461، ح 45439؛ مستدرک الوسائل، ج 15، ص 180.¹

در قرآن کریم در سوره اعراف هم به این وظیفه اشاره شده است انجایی که می فرماید:

والبلد الطیب یخرج نباته باذن ربه والذی خبث لایخرج الا نکدا^۲

یعنی سرزمین پاک و خیلی خوب، محصول خیلی خوب و پاک بیرون می دهد ولی

سرزمین بد و نامناسب، محصول بد می دهد.

مادر خوب، فرزند خوب تربیت می کند و مادر بد، محصول بد می دهد.

در حدیث است که.

السعيد سعيد في بطن امه والشقي شقي في بطن امه.^۳

یک معنای حدیث همین است که گفتیم. مادر در سعادت و شقاوت فرزند نقش مهمی

ایفا می نماید.

در روایت دیگری است که از زمانی که فرزند در شکم مادر است او را تربیت

کنید. سوال شد چگونه؟ فرمود با دادن غذای حلال به مادر.

امام خمینی فرمود: "در دامن زن، مرد به معراج می رود" یعنی اگر زن (مادر) اخلاق نیکو داشته، فرزند را

درست تربیت کند، عاقبت فرزند، بهشت و خوشبختی است. از این رو رَجِم (زهدان) پاک است که فرزندی

بهشتی تربیت می کند.

^۲اعراف-58

^۳التوحید، شیخ صدوق (م ۳۸۱ ق

اینکه وقتی امام هادی ع می خواهد برای فرزندش امام حسن عسگری همسر بگیرد منتظر می ماند تا نرجس

خاتون از روم بیاید و او همسر امام عسگری بشود زیرا فقط رحم مطهر نرجس خاتون قابلیت و شایستگی

نگه داری مهدی ال محمد را دارد.

فقط خدیجه کبری است که می تواند فاطمه زهرا بزیاید. فقط نجمه خاتون است ه می تواند امام رضا ع و

فاطمه معصومه متولد کند.

در جنگ جمل وقتی امام علی ع به محمد بن حنفیه گفت برو به دشمن حمله کن. محمد ماند. امام گفت چرا

جلو نمی روی؟ محمد گفت صبر می کنم تا تیرها کم شود بعد حمله می کن. امام مشت بر سینه او زد و

فرمود رگی از مادرت در تو است!

بعد به حسنین فرود شما حمله کنید. حسنین حمل کردند و به قلب لشکر دشمن زدند و پاهای شتر عایشه را

قطع کردند و دشمن شکست خورد.

اری مادر اگر ترسو باشد فرزند هم طبق علم ژنتیک ترسو خواهد بود و اگر مادر شجاع باشد فرزند هم

شجاع خواهد بود. همچنان که وقتی بعد از شهادت فاطمه زهراء س، امام علی خواستند ازدواج کنند به عقیل

فرمودند زنی از قبیله شجاع برای ما سراغ بگیر. عقیل هم فاطمه کلایه یعنی همان ام البنین را برای حضرت

علی ع در نظر گرفت که با ازدواج امام با ام البنین، خداوند چهار فرزند شجاع در راسشان قمر منیر بنی

هاشم ابوالفضل عباس را به حضرت عنایت کرد.

مادر پاکدامن، فرزندش پاکدامن است ولی مادر الوده، فرزندش الوده خواهد بود. اون خانمی که حجابش را

رعایت نمی کند. با نامحرم شوخی می نماید. حیا ندارد. چگونه انتظار دارد فرزندش با حیا و عفیف باشد؟

اگر حضرت مریم مظهر عفاف و عبادت نبود نمی توانست مادر عیسی مسیح باشد.

مادر جایگاه بسیار مهمی دارد و باید به این جایگاهش توجه داشته باشد.

به مادر شیخ انصاری^۴ گفتند فرزندات به مرجعیت رسیده است. گفت اگر پیامبر هم می شد تعجب نمی کردم چون برایش خیلی زحمت کشیدم و هیچگاه بدون وضو او را شیر ندادم.

اگر مادر ناصالح باشد اثر بسیار منفی زیادی روی فرزند می گذارد. و گاه سعادت او را به خطر می اندازد.

پسر طالح شیخ فضل الله نوری

گویند شهید شیخ فضل الله نوری شهید مشروطه، پسری داشت که طالح بود یعنی ادم فاسدی بود. وقتی علت انحراف این پسر را از شیخ پرسیدند. شیخ فرمود من از زمانی که این پسرم کودک بود فهمیدم که ادم درستی نخواهد شد! زیرا وقتی متولد شد مادرش شیر نداشت. برای او دایه گرفتیم که به او شیر می داد. ولی بعد از مدتی فهمیدیم دایه ادم ناپاکی است! و این پسر از شیر ادم ناپاک تغذیه کرده است پس عاقبت به خیر نمی شود.

مادر شیخ انصاری، دختر شیخ یعقوب فرزند شیخ احمد بن شیخ شمس الدین انصاری است. وی از زنان پرهیزکار عصر خود و از زنان متعبد بود و نوافل شب را تا هنگام مرگ ترک نکرده و چون اواخر عمر نابینا شده بود شیخ مقدمات تهجد وی را فراهم می کرد حتی آب وضویش را در موقع احتیاج گرم می کرد این بانوی مکرمه به سال ۱۲۷۹ ق در نجف اشرف از دنیا رفت و شیخ در غم فقدان مادر بسیار متأثر و غمناک شد و گریه کرد.^۴

امام صادق سلام الله علیه درباره شأن مادرش ام فروه فرمود: مادرم از جمله زنانی بود که ایمان آورد و تقوا پیشه کرد و نیکوکاری نمود، و خدا نیکوکاران را دوست دارد.

سید هاشم حداد از شاگردان مرحوم قاضی می گوید:

مادرم از زنان مومنی بود که به خواندن زیارت عاشورا در هر روز مداومت داشت، طوری که بعد از نماز صبح مشغول تعقیبات نماز و از جمله زیارت عاشورای کامل می شد. او در حالی که برای فرزندانش صبحانه آماده می کرد زیارت را می خواند و انوار و برکات این زیارت عظیم در غذایی که فرزندانش از آن می خوردند، جاری می شد و در رگ هایشان سریان می یافت.^۵

از مادر مرحوم مقدّس اردبیلی ، سبب مقام ارجمند فرزندش را سوال کردند ، ایشان فرمودند :

👉📖 من هرگز لقمه شبهه ناک نخوردم.

👉📖 قبل از شیر دادن به او ، وضو می گرفتم.

👉📖 ابدأً چشم به نامحرم نینداختم.

👉📖 در تربیت کودک بعد از شیر باز گرفتن ، کوشیدم.

^۵ سید علی قاضی و شاگردانش، ص 155

👉📖 نظافت و طهارت او را مراعات داشتم.

👉📖 و با بچه های خوب ، او را می نشاندم.

نتیجه این بخش این شد که مادر خوب فرزندش خوب خواهد شد الا در مواردی

استثناء. و مادر بد فرزندش بد خواهد شد الا در مواردی استثناء.

مادر در پیشگاه الهی حرمت عظیمی دارد چنانچه پیامبر فرمود: "إِذَا كُنْتَ فِي صَلَوةٍ التَّطَوُّعِ فَإِنَّ

دَعَاكَ وَالِدُكَ فَلَا تَقْطَعْهَا وَإِنْ دَعَاكَ وَالِدُكَ فَاقْطَعْهَا؛^۶ هنگامی که نماز مستحبی می خوانی، اگر پدرت تو

..را صدا کرد، نمازت را قطع نکن، ولی اگر مادرت تو را صدا زد، نمازت را قطع کن و به او جواب بده

بیان زحمات مادر در قران کریم

مفسر توانا ایه الله جوادى املی درباره مقام مادر در قران کریم می فرماید^۷: خداوند

سبحان وقتی می خواهد از زحمات پدر و مادر یاد کند، از زحمت مادر سخن می گوید، نه

از زحمت پدر، آنجا که می فرماید:

^۶ المستدرک، ج ۱۵، ص ۱۸۱

^۷ زن در آینه جلال و جمال صفحه ۱۷۷

و وصینا الانسان بوالديه احسانا حملته امه کرها و وضعتہ کرها و حملة و فصالة ثلاثون

شهر^۸

زحمات سی ماهه مادر را می‌شمارد، که: دوران بارداری، زایمان، و دوران شیرخوراکی برای مادر دشوار است. و همه اینها را به عنوان شرح خدمات مادر ذکر می‌کند. قرآن کریم به هنگام یادآوری زحمات حتی اشاره‌ای هم به این موضوع ندارد که: پدر زحمت کشیده است.

جاء فی فقه الرضا (ع): واعلم ان حق الأم ألزم الحقوق وأوجب لانها حملت
حيث لا يحمل أحد أحداً، ورقت بالسمع والبصر وجميع الجوارح مسرورة مستبشرة
بذلك، فحملته بما فيه من المكروه الذي لا يصبر عليه أحد، ورضيت بان تجوع
ويشبع، وتظماً ويروى، وتعري ويكتسى، وتظله وتضحى، فليكن الشكر لها، والبر
والرفق بها على قدر ذلك. وان كنتم لا تطيقون بأدنى حقها إلا بعون الله.^۹

امام رضاع: حق مادر لازم ترین و واجب ترین حق است زیرا مادر تورا حمل کرد طوری که هیچکس این چنین نکرد. و با همه وجود از این باری که در دل او بود نگه داری کرد درحالی که سختی زیادی کشید که کسی نمی تواند اینگونه تحمل کند. و راضی بود که تورا سیر کند و خود گرسنه باشد. تورا سیراب کند و خود تشنه باشد خود بی لباس و تو پوشیده باشی. پس باید تشکرو نیکی به مادر از اینها به همان اندازه باشد. اگرچه نمی توانید کمترین جبران را بکنی مگر به عون الهی.

^۸ احقاف، 15

^۹ مستدرک الوسائل، ج 2، ص 628

راه_توبه

مردی خدمت حضرت رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) شرفیاب شد و عرض کرد: ای پیامبر خدا! من در زندگی، بسیار گناه کرده ام و اکنون پشیمانم و می خواهم توبه کنم، چه راهی دارم که خداوند، زود از گناهان من در گذرد؟

حضرت فرمود: از پدر و مادرت کدام یک زنده اند؟

مرد عرض کرد: فقط پدرم

حضرت فرمود: برو و به پدرت خدمت کن

وقتی که آن جوان حرکت کرد و رفت، رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: اگر این مرد، مادر داشت و به مادرش خدمت می کرد، زودتر گناهان او مورد عفو قرار می گرفت و گذشته اش جبران می گردید. کشکول ممتاز، ص 186

در محضر پدر و مادرت باش

جوانی به محضر رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) رسید و عرض کرد: ای رسول خدا! خیلی مایلم در راه خدا بجنگم

حضرت فرمود: در راه خدا جهاد کن؛ اگر کشته شوی زنده و جاوید خواهی بود و از نعمت های بهشتی بهره مند می شوی و اگر بمیری، اجر تو با خداست. چنانچه زنده برگردی، گناهانت بخشیده شده و مانند روزی که از مادر متولد شدی، از گناه پاک می گردی.

جوان عرض کرد: ای رسول خدا! پدر و مادرم پیر شده اند و می گویند: ما به تو انس گرفته ایم و راضی نیستند من به جبهه بروم.

پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود: در محضر پدر و مادرت باش. سوگند به آفریدگارم! یک شبانه روز در خدمت پدر و مادر بودن، بهتر از یک سال جهاد در جبهه جنگ است. همان، ج 2، ص 19

حاج آقا مصطفی فرزند امام خیلی مؤدب بود و همیشه وقتی به منزل وارد می شد دست مادرش را می بوسید^{۱۰}

وظایف مادر

زنیکه به عنوان همسر و مادر در خانواده کوچک خود دارای صفات زیر است همان مادری است که در سخن پیامبر خدا، بهشت در زیر پایش می باشد. او همان مادری است که فرزندی تربیت می کند که باعث افتخار برای دین و کشورمان می شوند. او همان زنی است که دعایش در حق فرزندانش مستجاب می شود. او مادری است که همواره فرزندانش را به کارهای خوب و درست تشویق و سفارش می کند.

مادر است که با انجام وظایف خود می تواند شخصیت های بزرگی را به جامعه تحویل دهد. او باید از استراحت خود چشم پوشی نماید. سختیها را بجان بخرد و همانند کشاورز و باغبان مرتب به محصولات خود نظارت داشته باشد تا بتواند در موقع برداشت محصول، محصولات خوبی به بازار روانه نماید:

مادری که الگویش حضرت فاطمه (س) و حضرت زینب (س) است، می تواند در مقابل مصیبت هایی که احیاناً بر او وارد می شود صبور باشد و در برخورد با این امتحانات، حماسه ها بیافریند.

از همه کس نزدیکتر به بهشت، مادر است اگر واقعا مادری کند.

^{۱۰} پابه پای آفتاب: ج ۲، ص ۴۶

«شخصی به پیامبر(ص) گفت: نذر کرده‌ام آستانه بهشت را ببوسم. حال چه کنم؟ فرمود: پای مادر و پیشانی پدر را ببوس تا به نذرت عمل کرده باشی. و اگر از دنیا رفته اند، قبر آنان را ببوس.»

متأسفانه فرهنگ غرب که مقداری هم در کشور ما نفوذ کرده است، هیچ جایگاهی برای مادران در نظر نگرفته است. لذا در فیلم‌ها و سریال‌هایشان کمتر اثری از نقش مادر است و معمولاً بخاطر مفاسد دنیای غرب که زن نمی‌تواند هم زیبا و فاسد باشد و هم مادر! بیشتر فرزندان بدون پدر یا مادر یا هر دو بزرگ می‌شوند و کمتر از محبت مادر و پدر برخوردارند در بعضی مواقع همان چند سال شیردادن و بزرگ کردن کودک نقش عمده‌ای در هدایت یا گمراهی او ایفا می‌نماید:

یکی از شرایط مادر خوب بودن آن است که مادر ارزش و اهمیت خود را بشناسد تا به آن عمل کند و این میسر نمی‌شود مگر با مطالعه کتب تربیتی و کتابهایی که به نحوی در این مورد چاپ شده است. در جامعه ما، مادران با سواد و اهل مطالعه کم هستند و خانم‌ها در ساعتهای فراغت، بیشتر دوست دارند تا با هم جنسان خود در محلی گردهم آمده و از هر دری سخن بگویند و خود را این چنین سرگرم کنند و غافل از اینکه چون همجنسان آنها هم اکثراً اهل مطالعه نیستند، بیشتر سخنان پیرامون لباس و ازدواج و جهیزیه و مسائل کم اهمیت و گاهی غیبت‌ها پشت سر افراد دور می‌زنند و کمتر از مسائل مهم تربیتی و تجارب بزرگ کردن فرزندان سخن به میان می‌آید. و این نیاز به یک تغییر در خانواده‌های ایرانی دارد تا بتوانند نقش مهمتری در خانه و اجتماع خودشان ایفا نمایند.

فواید مطالعه کتابهای مفید برای مادران

مادران آگاه و اهل مطالعه از خطراتی که در کمین فرزندان‌شان است با خبر هستند. از اثرات مخرب نوشیدنی‌های مست کننده بر روی نوزادشان مطلع می‌باشند. از مضرات استعمال سیگار و مواد مخدر بر روی فرزندان‌شان اطلاع دارند و خلاصه راه و چاه را بهتر و بیشتر بلدند. شخصی سه فرزند عقب افتاده داشت. وقتی از او سؤال شد که چرا از دواج فامیلی کردید؟ جواب داد نمی‌دانستیم از دواج فامیلی مشکلاتی را ایجاد می‌کند! سؤال شد چرا با تولد اولین فرزند عقب افتاده، دوباره اقدام به بارداری نمودید؟ باز جواب داد نمی‌دانستیم!

حال باید عمری را با مشکلات این فرزندان عقب افتاده که پسر هیجده ساله شان در کلاس پنجم ابتدایی درس می‌خواند و دیگری مرتب غش می‌کند و سومی هم ناراحتی دیگری دارد و مادر هم از بس حرص خورده و ناراحتی کشیده دچار رعشه در دستانش شده و حالت عصبی پیدا کرده، بسازند و بسوزند!

وظایف مادر نمونه نسبت به فرزندان

بعد از ادای وظیفه زن نسبت به شویش، وظیفه مهم فرزند داری مطرح می‌شود. اهم این مسئولیت بشرح

زیر است:

1- انعقاد نطفه در وقت‌هایی که نیکو است.

2- هنگام آمیزش با طهارت بوده و مسائل سفارش شده درباره آمیزش

را رعایت نماید

«امام صادق (ع): در خانه‌ای که طفلی وجود دارد، با همسر خود مقاربت نکنید، که آن طفل زناکار می‌شود و یا

فرزندیکه بدنیا می‌آید، زناکار می‌شود.»

3- در ایام بارداری بر رعایت طهارت و عبادت مداومت نماید.

«شیخ مرتضی انصاری، یکی از فقها و دانشمندان بزرگ شیعه است. وقتی پس از سالها تحصیل و کوشش به

مقام اجتهاد و زعامت نائل آمد، مردم به مادر شیخ تبریک گفتند که فرزندت به مقام اجتهاد و مرجعیت رسیده است.

آن مادر گفت: زحمتی که من در تربیت فرزندم کشیدم، اگر به مقام پیامبری هم می‌رسید، تعجب نمی‌کردم، چه رسد

به مقام اجتهاد!

مردم از شنیدن این سخن تعجب کرده و گفتند: مگر در تربیت فرزندت چه کرده‌ای که دیگران نکرده‌اند؟

مادر شیخ پاسخ داد: بیان زحماتی که من در تربیت او کشیده‌ام، از حوصله شما بیرون است ولی به عنوان نمونه

می‌گویم که هیچ گاه بدون طهارت و وضو پستان به دهانش نگذاشتم.

وقتی مادر شیخ رحلت کرد، دیدند که شیخ بر بالین مادر، زار زار می‌گریه. یکی از شاگردان در مقام دلجوئی

گفت: جناب استاد! شما با این مقام علمی که دارید شایسته نیست بر بالین پیرزنی این گونه اشگ بریزید!

شیخ در پاسخ او فرمود: شما هنوز به مقام والای مادر پی نبرده‌اید! تربیت صحیح و زحمات فراوان مادر بود که مرا

به اینجا رسانید! «الگوهای تربیت ص 36»

4- در ایام بارداری از دعا و درگیری و جوش و خروش پرهیزد.

روانشناسان گفته‌اند که آرامش مادر در دوران بارداری به آرام بودن اعصاب فرزند کمک شایان می‌کند و مادرانیکه در دوران حاملگی درگیری فکری و آشوبهای ذهنی دارند، فرزندان عصبانی و اهل خشونت و دعوا بدینا می‌آورند.

5- در ایام بارداری و در دوران شیرخوارگی نوزاد، از لقمه حرام واز استعمال مواد مخدر و مشروبات الکلی دوری کند.

«زنی در حالیکه کودک فلج و ناقص و کوری در آغوش داشت، نزد رسول خدا آمد، و گفت: ای پیامبر خدا! مگر نمی‌گویند که خدا عادل است و به کسی ظلم نمی‌کند؟
فرمود: آری.

زن گفت: اما خدا به من ظلم کرده و چنین کودکی به من داده است!
پیامبر لحظه‌ای درنگ نمود و سپس فرمود: آیا شوهرت هنگام آمیزش باتو، شراب خورده بود؟
زن پاسخ داد: آری!

حضرت فرمود: پس جز خودت، کسی دیگر را سرزنش نکن!

6- در ایام بارداری از معاشرت زیاد با مردم دوری کند و بیشتر با شوهرش باشد.

ثابت شده است که اگر زن در دوران بارداری بیشتر به شوهرش نگاه کند و با او باشد، کودک شکل و شمایل پدرش را بخود می‌گیرد.

7- بعد از تولد علاوه بر گفتن اذان و اقامه در گوش کودک، و دادن عقیقه کودک، در هنگام شیردادن به نوزاد حتی المقدور با طهارت باشد.

«وقتی به امام سجاد(ع) تولد کودکی را بشارت می دادند، از پسر یا دختر بودنش نمی پرسید. بلکه سؤال می کرد: آیا سالم است؟ اگر می گفتند آری.

آنگاه می فرمود: الحمد لله الذی لم یخلق منی شیئا مشوها: شکر خدایی را که از من فرزند معیوبی متولد ننمود.»

«امام ششم(ع): عقیقه نوزاد بر ثروتمند و فقیر واجب است و فقیر اگر نتوانست، چنانچه بعدها برایش مقدور شد، عقیقه کند.»

«از امام ششم راجع به عقیقه سؤال شد. فرمود: گوسفند یا گاو یا شتر برای او قربانی کنند و بعد از عقیقه، بر کودک نام گذارند و روز هفتم سر او را بتراشند و به وزن مویش، طلا یا نقره صدقه دهند و اگر پسر است حیوان نر و اگر دختر است، حیوان ماده قربانی کنند.»

«امام ششم(ع): هر کودکی در گرو عقیقه است. و عقیقه از قربانی واجب تر است.»

«عمر بن بزید می گوید: در سن پیری بودم که به امام صادق(ع) عرض کردم که: بخدا سوگند! نمی دانم که وقتی متولد شدم، پدرم برایم عقیقه کرد یا خیر؟ امام فرمود: الان برو و برای خودت عقیقه کن! منم در سن پیری برای خود عقیقه نمودم.»

«امام ششم(ع): مادر از عقیقه فرزندش نخورد.»

«یکی از بزرگان نقل می کند: چند روز قبل از شهادت «شیخ فضل الله نوری» در زندان با او ملاقات نمودم. به ایشان عرض کردم که پسر شما خیلی لالایی است و بر ضد شما کار می کند.

شیخ شهید فرمود:

این موضوع را از قبل می‌دانستم. وافزود: این پسر در نجف بدنیا آمد و مادرش شیر نداشت. از این رو، مجبور شدیم که برای شیردان او زنی را پیدا کنیم. زنی پیدا شد و این کودک مدت زیادی از شیر آن زن تغذیه کرد. اما ناگهان فهمیدیم که آن زن بسیار لالایی و بی‌عفت است و کینه‌علی (ع) را به دل دارد.

از همان وقت دریافتیم که سعادتمند شدن این پسر، کاری بسیار مشکل است!

8- در اسم گذاری فرزند از نامهایی که اسلام سفارش کرده است استفاده نماید.

«رسول خدا (ص): کسیکه خداوند به او چهار پسر بدهد و نام مرا بر یکی از آنها نگذارد، بر من ظلم کرده است.»

مسئول فرهنگی سفارت ایران در نروژ:

وقتی رهبر کمونیست نروژ مسلمان شد، بعد از مدتی «آنا بریت» همسر ایشان با من تماس گرفت و گفت: می‌خواهم مسلمان شوم.

من شگفت زده شدم و خدا را سپاس گفتم. آنا بریت گفت: من چادر می‌خواهم!

گفتم: پوشیده بودن کافی است. چرا چادر می‌خواهی؟ (چرا که ترسیدم با جوی که در آن جا علیه چادر بود توان تحمل این سختی‌ها را نداشته باشد.)

اما او باز هم تأکید کرد:

می‌خواهم با لباس رزم زنان ایرانی که الگو و سمبل من بوده‌اند شهادتین را بگویم.

به او گفتم: چه اسمی را انتخاب کرده‌اید؟

گفت: زینب.

گفتم چرا؟

گفت تحقیق کرده‌ام دیدم حضرت زینب-سلام الله علیها- زن صبور، مقاوم و کاملی بوده است.»

9- کودکی را با خود به مساجد و مجالس سوگواری امام حسین(ع) و دیگر مجالس مذهبی ببرد.

کودکانی که در زیارتگاهها و مراسم موالید و عزاداری اهل بیت(ع) و مساجد حضور می‌یابند، از برکات این مجالس مستفیض خواهند شد و علاقه به اهل بیت(ع) در وجود آنها ریشه پیدا می‌کند و گاه آثار مثبت مهمی در زندگی آنها بجا می‌گذارد.

«حضرت زهرا(س) برای اینکه فرزندانش در شبهای احیاء خوابشان نبرد، روز قبل آنها را می‌خواباند و همچنین موقع احیاء اگر فرزندی خوابش می‌برد، آب به صورتش می‌زدند. تا از فیض شب قدری بهره‌مند شوند.»

(امام باقر(ع) بعد از نماز صبح نمی‌گذاشتند نوجوانان بخوابند بلکه اگر قرآن بلد بودند می‌فرمودند قرآن بخواند و هر که بلد نبود می‌فرمودند ذکر بگویند. و این تا طلوع آفتاب ادامه داشت)

10- خود نماز بخواند و فرزندش را هم به نماز سفارش کند.

«رسول خدا(ص): نخستین چیزی که در قیامت از زن می‌پرسند، نماز است و سپس درباره شوهرش (اگر ازدواج کرده بوده) که چگونه باشوهرش رفتار می‌نموده است.»

11- اگر فرزند دختر است، اهمیت حجاب را در مناسبتهای مختلف به او گوشزد نماید و نگذارد که با لباس نامناسب در کوچه و خیابان ظاهر شود.

حجاب دختر تا اندازه زیادی به حجاب مادر و طرز فکر و تقید مادر به حجاب بر می گردد. چه بسا مادرانی که خود حجابی دارند ولی از کودکی دختران خود را همچون عروسک! زینت و آرایش نموده و با خود در کوی و برزن و مجالس عروسی و مهمانی‌ها به نمایش می‌گذارند اما نمی‌دانند که چگونه دختر خود را از راه عفت و حیا دور کرده و او را به انحرافات سوق می‌دهند.

«از جمله بیعت‌هایی که پیامبر(ص) از زنان گرفت این بود که در خلوت با مردان مسافرت و نشست و برخاست نکنند،»

«پیامبر(ص): ای حواء! زینت خود را برای غیر شوهرت ظاهر نکن. برای زن حلال نیست که مچ و پایش را برای مردی غیر شویش آشکار کند. که اگر چنین کرد، همیشه در لعنت الهی است و فرشتگان او را لعن کرده و عذابی دردناک برایش مهیا می‌شود.»

اگر چه اکثر مادران به فرزندانشان محبت دارند و کم هستند مادرانی که بخاطر لذات نامشروع، فرزندانشان را مورد آزار و اذیت قرار می‌دهند ولی باید این محبت متعادل باشد و اگر از حد خود خارج شد، عواقب سوئی ایجاد می‌نماید. محبت‌ها و تنبیه‌ها و تشویق‌ها باید عادلانه باشد و از حد خود تجاوز ننماید و الا آثار خطرناکی بر روحیات فرزند وارد می‌کند. به نام یک فرزند بزهکار که از بازداشتگاه برای مادرش ارسال نموده توجه کنید:

«این نامه‌ای است که یک پسر بزهکار از زندان برای مادرش نوشته است:

مادر! امروز هنگامی که با دونفر از دوستانم در یکی از خانه‌های نارمک تهران سرگرم دزدی ااث خانه‌ای بودیم، توسط پلیس دستگیر شدیم و چون برای بار دوم می‌خواهند مرا به جرم دزدی به زندان ببرند، می‌خواهم امشب از این گوشه بازداشتگاه با تو درد دل کنم و بگویم:

تو گناهکاری! تو باعث تمام بدبختی‌های من هستی! تو خیلی مرا دوست داشتی و همین محبت کورکورانه مرا به روز سیاه نشاند. آن روز که پدرم به این خاطر که دست در جیبش کرده بودم، می‌خواست مرا تنبیه کند ولی تو جلو دودی و نگذاشتی که او مرا تنبیه کند و گفתי: این پسر کوچولوی من است! و هر دفعه این صحنه تکرار شد!

مادر! من شبها دیر به خانه می‌آمدم، اما تو چیزی از من نمی‌پرسیدی، حتی این موضوع را از پدرم پنهان می‌کردی! تو مرا از معاشرت با جوانان هرزه منع نکردی و حتی وقتی فهمیدی که من دزدی می‌کنم، مانع من نشدی و فقط گفתי: کاری نکن که پدرت بفهمد!

مادر! من تو را می‌بخشم، اما آنچه در حق من کردی، در باره برادر کوچکم نکن!

آثار سوء بی توجهی والدین در تربیت فرزندانشان را باید در کوچه و بازار و در بدحجابی و لنگاری دختران و در پوشیدن لباس‌های غربی پسران و در ایجاد مزاحمت‌های خیابانی برای دختران و در زندان‌ها و آما ترهای دزدی و قتل

و تشکیل باندهای مخوف و باندهای فساد اخلاق به وضوح مشاهده نمود! که گاهی پدر و مادر یک جوان قاتل انگشت به دهان می گیرند که چرا این جور شد؟؟ چطور فرزند ما مرتکب این قتل و جنایت شد؟؟ در حالی که عامل اصلی جرمهای جوانان والدین هستند. آنها در تربیت فرزندشان کوتاهی کردند. و باید خودشان راسرزنش نمایند.

15- خود راستگو و متواضع و سخاوتمند و عقیف و با حجاب و شوهر دار و طالب علم و امانت دار و اهل صله رحم و... باشد تا فرزندانش نیز این چنین باشند.

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان و در مقابل جنازه فرزند شهیدش، ایستاد و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را خواند:

بشکست اگر دل من بفدای چشم مستت سر خم می سلامت، شکند اگر سبویی یعنی: امام به سلامت باشند، دل شکسته ام به فدای چشمهای تو.

بعد چنین گفت:

پسرم! نور دیده ام... سومین پسرم بودی که تورا نثار راه قرآن نمودم. امروز، نخستین روز بهار به دیدار گل ارغوانی و پرپر ام آمده ام، پیکر دو برادر شهیدت را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر تو، نخست اجازه نمی دادند، ولی وقتی دیدند، صبر و استقامت من خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از ته دل خشنود شدم که (به دلخواه من شهید شدی) زیرا دلم می خواست تو در راه خدا قطعه قطعه شوی و چنین شد.

سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا! تورا شکر و سپاس می گویم که فرزندم در این آزمایش الهی، این گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون آمد...»

16- آئین شوهر داری را به دخترانش آموزش دهد.

مادر باید شوهر داری را به دخترانش یاد دهد تا آنها با استفاده از تجربیات چند ساله او زندگی موفق داشته باشند.

«وقتی قرار شد که ایاس دختر عوف به خانه شوهر برود، مادرش او را این چنین نصیحت کرد:

دخترم! تو از خانه‌ای که با آن انس گرفته‌ای به خانه‌ای ناآشنای روی پس در برابر همسرت فروتن باش تا با او انس‌گیری. و برای اینکه پشتیبان و کمک کار داشته باشی به این اندرزها عمل نما!

اهل قناعت باش. دستوره‌های همسرت را بشنو و انجام بده. در برابرش خود را آراسته کن تا وقتی بتو نگاه می‌کند ناراحت نشود. خود را معطر کن تا بوی تو برایش بهترین بو باشد. هنگام گرسنگی از او با غذا پذیرائی کن زیرا در هنگام گرسنگی انسان در هیجان و ناراحتی است. هنگام استراحت او را یاری کن زیرا ممکن است از بی خوابی خشمگین شود. در نبودنش از مالش نگه داری کن. در کارها به او کمک نما. اسرار او را فاش نکن و گرنه مطمئن باش که در امان نخواهی بود. هنگام ناراحتی او نخند و هنگام خوشحالی او ناراحت نباش.»

17- اگر خواستگار مؤمن و خوش اخلاقی برای دخترش آمد، مانع

تراشی نکند.

طبق آمار تازه، در حال حاضر 3/5 میلیون دختر شوهر نکرده در ایران زندگی می‌کنند. و همین آمار درباره پسران مجرد نیز صدق می‌نماید. راستی با وجود غریزه جنسی در جوانان و وجود همسران هم‌شان چرا باید این جوانان مجرد زندگی بکنند و گرفتار آثار سوء مجرد بودن باشند؟ آیا غیر از رسم و رسومات غیر اسلامی و غیر واقعی، مانع دیگری است؟ مهریه‌های بالا! خرج‌های سنگین! بهانه‌های مختلف! که متأسفانه به خانواده‌های متدین و مذهبی هم سرایت کرده است و حتماً باید در تالارها و هتل‌های گران قیمت مراسم را برگزار نمایند. ولی اسلام عزیز این رسومات را قبول ندارد.

«امام رضا(ع): اگر مؤمنی به خواستگاری دختری برود و پانصد درهم جهت مهر پیشنهاد کند ولی آنان بیشتر بخواهند و این مقدار را نپذیرفته به او دختر ندهند، بر او ستم کرده و خداوند پدر آن خانواده را از حورالعین محروم می‌کند»

و پیامبر(ص) فرمود: اگر کسی که از دین و اخلاقش راضی هستید به خواستگاری بیاید و دختر ندهید، فساد بزرگی پدید می‌آید!

18- فرزندان را به ازدواج هم‌شان دریاورد.

«دختر و پسر از خانواده متدین باید با هم‌شان خود ازدواج کنند و دختر و پسر از خانواده بی اعتنا به دین نیز همچنین.»

دختر پاک و مؤمن برای پسر پاک و مؤمن و دختر ناپاک و بی دین برای پسر ناپاک و بی دین لایق هستند.»

19- دخترش را به فاسق و فاجر و شرابخوار شوهر ندهد!

مادر نباید گول عناوین و ظواهر و پول و ثروت داماد و خانواده‌اش را بخورد و بدون توجه به رعایت مسائل اخلاقی از طرف داماد، دخترش را به خانه آلوده بفرستد.

«دختری بعد از دوماه عروسی به خانه پدر برگشت و اعلام کرد که متوجه شده شوهرش معتاد است و او بزور طلاهایش را گرفته و فروخته است. و با گریه می گفت که بعد از دوماه بیوه شدم!

اگر علت این مسئله بررسی شود مشخص می شود که متأسفانه پدر و مادر دختر در هنگام خواستگاری داماد! بفکر نماز و تدین داماد نبودند و فقط چشم به ظواهر زندگی او و قدرت مالی و قیافه ظاهری او داشته اند

لذا باید تاوان سنگینی را برای این بی توجهی بپردازند!

«پیامبر (ص): کسیکه دخترش را به بی دین شوهر بدهد، روزی هزار بار لعنت بر او نازل می شود.»

«امام رضا (ع): اگر دختر به شرابخوار بدهید، گویا او را به زنا واداشته اید!»

و...

امام حسین (ع) به جوان تبسم نمود!

«یکی از علماء وقتی در کربلا بود و به حرم رفت و آمد می کرد، متوجه شد که جوانی با حضرت امام حسین (ع) ارتباط معنوی دارد. از او جریان را پرسید. جوان گفت خانه ما در چند فرسخی کربلا است. مدتی بود که هر شب جمعه بنوبت پدر و مادر من را به کربلا برای زیارت می آوردم. شب جمعه ای باران می آمد و بنا بود که پدر من را سوار الاغ کرده و به کربلا بیاورم. همینکه عازم شدیم، مادر من از من خواست که او را هم بیاوریم. با اصرار

مادرم، او را بر کولم سوار کردم و با پدرم هم سوار الاغ بود، در زیر باران با زحمات زیادی به حرم مشرف شدیم. وقتی وارد صحن حضرت شدیم، دیدم که امام (ع) در ضریح ایستاده و بمن تبسم می کند. و این حالت هر شب جمعه تکرار می شود.^{۱۱}

جوان زبانش لال شد!

«روزی پیامبر بر بالین جوانی که در حال احتضار بود، حاضر شد. وقتی شهادتین را به او تلقین نمود، جوان نتوانست زبانش را به شهادتین باز کند و گویا لال شده بود. حضرت، مادرش را خواستند. و از مادرش پرسیدند که آیا از پسر ت راضی هستی؟ زن گفت: یا رسول الله! چهار سال است که باو حرف نزده ام! پیامبر از او خواستند که از فرزندش راضی شود. او هم راضی شد و جوان زبانش باز گردید و شهادتین را جاری کرد و از دنیا رفت»^{۱۲}

– بوسه ای بر درب بهشت و صورت حور العین

روایت است که مردی خدمت حضرت رسول صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: من نذر کرده ام که درب بهشت و صورت حور العین (زنان بهشتی) را ببوسم!

حضرت فرمود: برو پای مادر (به منزله صورت حور العین) و پیشانی پدرت را (بمنزله در بهشت) ببوس.

عرض کرد: پدر و مادرم از دنیا رفته اند، فرمود: قبر آنها را ببوس، عرض کرد: مکان قبر آنها را نمی دانم (شاید در حادثه ای از بین رفته اند که در شهر دفن نشده اند و یا در اثر مرور زمان مکان آن مخفی شده است)،

حضرت فرمود: دو خط روی زمین به صورت دو قبر بکش به نیت قبر پدر و مادر، و سپس آنجا را ببوس

۱۳

دعا برای مادر و قدر دانی او

زنی بود از اهل عبادت بنام باهیه، هنگام مرگ عرض کرد: (خدایا) ای ذخیره (و امید) من ای تکیه گاه من در زندگی و مرگ، مرا هنگام مرگ و امگذار (کمکم کن) و در خانه قبر دچار وحشت مگردان.

^{۱۱} خانواده نمونه

^{۱۲} همان

^{۱۳} قرۃ العین ص 38.

پس از فوت او پسرش هر شب و روز جمعه بر سر قبر مادر می آمد، مقداری قرآن می خواند و برای مادر و اهل قبرستان دعا میکرد. روزی این جوان مادرش را در خواب دید سلام کرد، و عرض کرد: حال شما چطور است؟ و بر شما چه می گذرد؟

باهیه گفت: پسر، مرگ دارای سختیها و نگرانیهاست ولی من بحمدالله در جائی هستم که از سبزه فرش شده و به حریر آراسته گردیده است.

جوان گفت: مادر آیا حاجتی داری؟ مادر گفت: از تو می خواهم که از دیدن و زیارت و دعا خواندن و قرائت قرآن برای ما دست برداری، من به آمدن تو در شب و روز جمعه مسرور و خوشحال می شوم، پسر، وقتی تو می آیی، اموات به من می گویند: باهیه پسر (دارد) می آید و من به این مژده خوشحال می شوم، امواتی هم که در اطراف من هستند به آمدن تو مسرور می شوند. آن جوان گوید: من در هر شب و روز جمعه به زیارت قبر مادرم رفته مقداری قرآن می خوانم و اینگونه دعا می کنیم:

خداوند وحشت شما (اموات) را انس و همدم باشد و بر غربت شما ترحم کند و از گناهانتان بگذرد و نیکیهای شما را قبول نماید.

گوید: یک شب در خواب مشاهده کردم جمعیت زیادی به طرف من آمدند! پرسیدم، شما کیستند و چه حاجتی دارید؟ گفتند: ما اهل قبرستان هستیم، آمده ایم از تو تشکر کنیم و بخواهیم که قرائت قرآن و دعا کردن را از ما قطع نکنی

حق مادر

رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرماید: «حق پدر این است که از او در طول زندگی اطاعت کنی و اما حق مادر را هرگز نمی توانی ادا کنی. حتی اگر به تعداد شن های بیابان و قطره های باران، روزها در خدمتش بایستی، تنها به جای زحمات طاقت فرسای دوران بارداری او نخواهد بود». شخصی به پیامبر از کج خلقی مادر شکایت کرد، حضرت فرمود: «او در آن نه ماه که بار تو را تحمل می کرد و آن دو سال که تو را شیر داد و شب هایی که بیداری کشید و روزهایی که برای تو تحمل تشنگی کرد، کج خلق نبود». مرد گفت: من جزای زحماتش را پرداخته ام و «او را دوبار بر دوش گرفته و به حج برده ام. حضرت فرمود: «حتی جزای یک ناله او را هنگام وضع حمل نپرداخته ای.^{۱۴}

سیره پیامبر در احترام نسبت به مادرش آینه و احترام فوق العاده نسبت به وی، بهترین دلیل بر عظمت مقام مادر است. به نوشته تاریخ نگاران، پیامبر همراه مادر جهت زیارت تربت پدرش عبدالله به سفر یثرب رفتند. هنگامی که در سرزمین ابواء - نزدیک مدینه - رسیدند، آینه بیمار شد و به تدریج وضعش رو به وخامت نهاد و کم کم آثار مرگ در وی پدیدار گشت. پیامبر در آخرین لحظات زندگی مادر، صورت خود را به صورت او گذاشت و با حالت

^{۱۴} <http://forum.hammihan.com/thread150966-2.html>

غم و اندوه به چهره مادر نگاه می کرد و می گریست. همراهان هر بار او را از جسد مادر جدا می کردند، دوباره خود را روی جنازه مادر می انداخت و ناله می کرد

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) پس از وفات مادر همواره به یاد او بود و به زیارت مزارش می آمد. روزی بر سر مزار مادر آمد، دو رکعت نماز خواند، سپس ندا داد مادر! قبر شکافته شد، آمنه در میان قبر نشسته بود و می گفت: «اشهد أن لا اله الا الله و انک رسول الله». حضرت از مادر سؤال کرد: امامت کیست؟ گفت: فرزندانم! امام تو کیست؟ پیامبر فرمود: اینک امام تو علی بن ابی طالب (علیه السلام) است. آمنه به ولایت علی (علیه السلام) شهادت داد و به جایگاهش برگشت.

این رفتار پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) در حال حیات و پس از وفات آمنه، نشان دهنده عظمت، منزلت و مقام عالی مادر است؛ چرا که افضل موجودات عالم، یعنی وجود مقدس رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) همانند یک انسان خاضع، در برابر مادر زانوی ادب بر زمین می زند و با دید احترام به او نگریسته، از او تعظیم به عمل می آورد. سرانجام می خواهد مادرش با ایمان هر چه کامل تر در قیامت محشور گردد، شهادت به ولایت علی (علیه السلام) را به او تلقین می کند. این سیره پیامبر خدا (صلی الله علیه و آله) برای همه مسلمانان دنیا درس بزرگ است و در رفتار با مادر، باید به آن حضرت تأسی کرد و از سیره او درس آموخت.^{۱۵}

استقامت مادر سه شهید

«وقتی در قم، مادر سه شهید در تشییع فرزند سومش حاضر شده بود، در میان بانوان و در مقابل جنازه فرزند شهیدش، ایستاد و سخنرانی کرد. نخست خطاب به جنازه، این بیت را خواند:

بشکست اگر دل من بفدای چشم مست سر خم می سلامت، شکند اگر سبویی یعنی: امام به سلامت باشند، دل شکسته ام به فدای چشمهای تو.

بعد چنین گفت:

پسرم! نور دیده ام... سومین پسرم بودی که تورا نثار راه قرآن نمودم، امروز، نخستین روز بهار به دیدار گل ارغوانی و پرپر امده ام، پیکر دوبرادر شهیدت را سال قبل دیدم، برای دیدار پیکر تو، نخست اجازه نمی دادند، ولی وقتی دیدند، صبر و استقامت من خوب است، اجازه دادند، من وقتی پیکر تو را دیدم، از ته دل خشنود شدم که (به دلخواه من شهید شدی) زیرا دلم می خواست تو در راه خدا قطعه قطعه شوی و چنین شد.

سپس این بانوی شجاع دستهایش را بطرف آسمان بلند کرد و چنین گفت: خدایا! تورا شکر و سپاس می گویم که فرزندم در این آزمایش الهی، این گونه، سرافراز و پیروز و روسفید، بیرون آمد... «زنان مرد آفرین ص 208»

دختر حزیل، آرایشگر دختر فرعون

«رسول خدا(ص) در معراج بوی خوشی احساس کرد. وقتی علت آن را از جبرئیل پرسیدند، جبرئیل گفت: این بوی خوش از دختر حزیل، آرایشگر دختر فرعون است. زیرا او در پنهانی خداپرست بود ولی فرعون متوجه شد و از او خواست که دست از عقیده‌اش بردارد و یا اینکه او و فرزندانش کشته می‌شوند. او حاضر نشد دست از توحید بردارد لذا فرعون ابتدا کودکان او را در مقابل چشمان مادرشان به داخل تنور انداخت و سوزاند. سپس خود این زن را بشهادت رساند،»

ارزش و اهمیت مقام پدر

پدر به عنوان سرپرست خانواده و سراندار این کانون، مسئولیت هدایت خانواده در مسیر سعادت را به عهده دارد. این مسئولیت از طرف خداوند به عهده پدر گذاشته شده و هیچ کسی نمی‌تواند این مسئولیت را از روی دوش او بردارد:

«الرجال قوامون على النساء بما فضل الله بعضهم على بعض وبما انفقوا من اموالهم فالصالحات قانتات حافظات للغيب بما حفظ الله واللاتي نشوزهن فعظوهن واهجروهن في المضاجع واضربوهن فان اطعنكم فلا تبغوا عليهن سبيلا ان الله كان عليا كبيرا» نساء 32

یعنی مردان بر زنان سرپرستی دارند بخاطر اینکه خدا بعضی را بر بعضی برتری داده و به خاطر اینکه مردان از مال خود نفقه زنان و مهریه آنان را می‌دهند. پس زنان صالح و شایسته باید فرمانبر شوهران در کام‌گیری و تمتعات جنسی و حافظ ناموس و منافع و آبروی آنان در غیابشان باشند. همانطور که خدا منافع آنان را حفظ فرموده. و زنانی را که بیم دارید نافرمانیتان کنند، نخست اندرز دهید و اگر به اطاعت در نیامدند با آنها قهر کنید و به بستر راه ندهید و اگر این نیز مؤثر نشد بزیدشان پس اگر به اطاعت درآمدند دیگر برای ادامه زدن بهانه جوئی نکنید. و بخاطر علوی که خدا بشما داده مغرور نشوید که دارنده علو و بزرگی خداست.

خصوصیات پدر نمونه

همان ده خصلتی که در زنان باید باشد تا سعادت دو جهان را دریابند، در مردان هم باید باشد که شامل:

مسلمان بودن، ایمان، دعا کننده، راستگو، صبور، مطیع خدا، انفاق کننده، روزه گیر، عفیف، اهل ذکر است.

اگر پدر صالح باشد و وظایف خود را بخوبی انجام دهد حتما خانواده خود را خوشبخت خواهد نمود.

پدری که مؤمن بوده و اهل معنویات هست و به فضائل اخلاقی اهمیت می‌دهد، نخواهد گذاشت که خانواده در مسیر نادرست قرار بگیرد.

بر خلاف فرهنگ غرب که با عدم نظارت و عدم دخالت پدر در امور شخصی و خصوصی همسر و فرزندان به اسم آزادی، خانواده‌ها از هم پاشیده شده و دیگر لقب پدر به عنوان یک واژه مقدس کمتر بکار می‌رود.

سرپرستی پدر

پدر مسئولیت ویژه‌ای برعهده دارد که خداوند به عهده او گذاشته است و آن **سرپرستی** خانواده خویش می‌باشد. در کشور ما در بسیاری از خانواده‌ها مخصوصاً در زمان گذشته به این مسئولیت عمل می‌شد و پدر جایگاه خویش را داشت ولی اخیراً بدلیل شعارهای فمینیستی و زنگرائی بعضی و بدلیل تقلید از فرهنگ غرب و بدلیل عدم اطلاع شوهران از مسئولیت خویش، در بعضی از خانواده‌ها وضع برعکس شده است و باوجود حضور **مرد زن سرپرست خانواده** می‌باشد!

اگر چه سرپرست بودن مرد، علامت برتری او بر زن در نزد خداوند نیست ولی با ایفای این مسئولیت توسط اوست که خانواده‌ها از فروپاشی مصون می‌مانند و اسیر عواطف زنانه نمی‌شوند و در حوادث مهم از ادامه مسیر باز نمی‌مانند.

وظایف پدر

«رسول خدا (ص): فرزند بر پدر حقوقی دارد و پدر نیز بر فرزند حقوقی دارد. اما حق پدر بر فرزند آنستکه در هر چیزی بجز معصیت، مطیع پدر باشد. و حقوق فرزند بر پدر آنستکه برای فرزندش **نام نیکو** بگذارد و **ادب نیکو** به او بیاموزد و **قرآن** را به او تعلیم نماید.»

«روایت شده وقتی به امام سجّاد (ع) بشارت ولادتی را می‌دادند، از پسرو یا دختر بودنش سؤال نمی‌کرد، بلکه می‌پرسید: آیا سالم است؟ و هنگامیکه می‌گفتند: آری! می‌فرمود:

الحمد لله الذی لم یخلق منّی شیئاً مشوهاً. **شکر خدایی را که فرزند مرا معیوب متولد نفرمود.**»

«امام هفتم (ع): اولین نیکی انسان به فرزندش، گذاشتن نام نیک بر او است.»

محبت به فرزندان و همراه بردن فرزندان به تفریحات سالم

محبت والدین به فرزندان باعث استحکام خانواده می‌شود و چشم آنها را بر محبتهای ظاهری خارج از خانه می‌بندد.

«رسول خدا(ص): کسیکه فرزندش را ببوسد یک حسنه دارد و اگر او را خوشحال کند، روز قیامت خدا او را خوشحال می کند و کسیکه به فرزندش قرآن بیاموزد، روز قیامت پدر و مادر کودک را ندا نموده و دوحله بهشتی از نور، برتن آنان می نمایند که از نورش صورت اهل محشر روشن می شود.»

«رسول خدا(ص): خداوند دوست دارد که آنچنان بین فرزندان با عدالت رفتار نمائید که حتی ' در بوسیدن آنها نیز مساوات باشد.»

«امام ششم(ع): همانا خداوند بر بنده ای که علاقه زیاد به فرزندش دارد، رحم می کند.»

«پیامبر(ص): بچه هارا دوست بدارید و بر آنها ترحم داشته باشید.»

«امام هفتم(ع): خدا در چیزی همانند غضب برای کودکان و زنان غضب نمی کند.»

- استفاده از درآمد حلال برای خورد و خوراک خانواده

لقمه حلال در تربیت سالم انسان نقش مهمی دارد همانگونه که لقمه های حرام در انحراف انسانها آثار مهمی دارد.

«در حدیث قدسی است که ایمان ده جزء دارد و هفت جزئش کسب درآمد حلال است»

«در حدیث قدسی است که کسیکه اهمیت نمی دهد از چه جایی درآمد کسب کند، منهم اهمیت نمی دهم که او را از چه دری وارد جهنم نمایم!»

رسول خدا: هر که از حلال بخورد ملکی بر بالای سرش بایستد و برایش استغفار کند تا زمانی که از غذا دست بکشد.»

6- آشنا کردن فرزند با خدا و آموزه های مذهبی

برای پرورش حس مذهبی فرزندان باید چند مرحله را طی کرد:

1- آنها را با استدلال ساده با خدا آشنا نمایم.

2- خدا را با صفات نیکویش مانند رحمان و رحیم و آمرزنده بودن معرفی کنیم.

3- از دوستی خدا با آنها حرف بزنیم. «ای پیامبر بگو: اگر خدا را دوست دارید از من پیروی کنید تا خدا هم شما را دوست داشته و گناهانتان را ببامرزد و خدا آمرزنده و مهربان است.» آل عمران 31

4- نوجوانان را به عبادات واجب و مستحب عادت داده و نماز را از هفت سالگی به آنها آموزش دهیم.

اگر پرورش مذهبی نوجوان از دوازده سالگی بدرستی انجام پذیرد، او در 16 سالگی یک فرد معتقد و با ایمان خواهد بود و با این احساس می‌تواند در مقابل تمایلات نفسانی و شهوات، مقاومت کند و از تندروی و طغیان برکنار بماند. اما برعکس، نوجوانی که احساسات مذهبی‌ش مورد حمایت و پرورش قرار نگرفته و احياناً سرکوب شده باشد، نوجوانی که خواهش معنوی‌ش ارضاء نگشته و نور ایمان، ضمیرش را روشن ننموده باشد، در 16 سالگی محکوم تمایلات غریزی و شهوی خواهد بود و عواطف مذهبی پرورش نیافته‌اش قادر نیست او را در مقابل انحرافات ایمنی بخشد.

عبادات واجب و مستحبی که در اسلام تشریع شده و همچنین دعا و نیایش در پیشگاه الهی از عوامل مؤثر در تحکیم دوستی و محبت پروردگار است. نماز ارتباط دهنده انسان به خالقش می‌باشد. نماز گزار روزی چند بار به پیشگاه خدا می‌رود و مراتب دوستی خود را با محبوبش تجدید می‌کند.

اگر گناهانی کرده آنها را بوسیله نماز پاک می‌کند و اگر چند قدمی از خدایش دور شده، بوسیله نماز بعدی به خدایش برمی‌گردد. خدای واقعی آنقدر رحمت و عطف دارد که باب توبه بر روی همه گشوده است. اگر انسان آلودگی پیدا کرد، راه بازگشت به پاکی و خدا باز است. حتی اگر توبه را شکست و باز آلوده شد، باز هم راه بازگشت دارد و با اصطلاح: اگر صدبار توبه شکستی باز آی! خالق که در گرفتاریها و سختیهای زندگی، تکیه‌گاه انسان است.

علی 7 می‌فرماید: «یَا مَنْ عَلَيْهِ مَعْوَلِي!» ای تکیه‌گاه من! «یَا مَنْ إِلَيْهِ شَكْوَتُ أَحْوَالِي!» ای کسی که گرفتاریهایم را فقط به او می‌گویم. این دین صحیح و ایمان واقعی است که انسانها را از انحرافات و آلودگیها دور و پاک کرده و آنها را سعادتمند می‌نماید.

اما بدبختانه دنیای امروز به تمایلات مذهبی جوانان نه تنها کار ندارد بلکه با انواع برنامه‌های انحرافی این حس را در میان جوانان از بین می‌برد. دنیای غرب آنطور که برای یک کالای صنعتی سرمایه گذاری کرده و اهمیت قائل می‌شود، برای تربیت صحیح و پرورش حس مذهبی ارزش وارجی قائل نمی‌شود.

7- تربیت فرزند بر اساس تربیت دینی

اولین نکته برای آرامش خانواده و دوری از رفتارهای ناپسند جوان، شناخت روان جوان و آگاهی از مقتضیات جوانی است. فرزند جوان، مطابق میل طبیعی، عاشق استقلال و تشخص است. می‌خواهد هرچه زودتر خود را از محدودیتهای دوران کودکی رها سازد و به گروه بزرگسالان بپیوندد و مانند آنان مستقل باشد. او خواسته خود

را بر زبان نمی‌آورد! ولی اگر به مقصود خود نائل نشود و به حق طبیعی خود، دست نیابد، سرکشی و طغیان می‌کند، به کارهای غیر عادی دست می‌زند، بد رفتار و تندخو می‌شود و با زبان حال می‌گوید:

به شخصیت من احترام بگذارید! مرا مستقل و آزاد بشناسید! با من همانند یک فرد بزرگ برخورد کنید!

در سخن پیامبر 6 است که فرمود: «فرزند، هفت سال آقا است، هفت سال بنده است و هفت سال هم وزیر است».

طفل هفت سال اول بر پدر و مادرش حکومت می‌کند! زیرا فکرش نارسا و جسمش ناتوان است. پدر و مادر باید با دیدهٔ رأفت به او نظر کنند و ناچارند که خواسته‌های او را برآورده سازند.

در هفت سال دوم، تغییرات قابل ملاحظه‌ای در تن و روان کودک پدید می‌آید. جسمش قوی می‌شود و درکش رشد می‌کند و تا اندازه‌ای خویها و بدیها را می‌فهمد. لذا مورد مؤاخذه والدین و مربی و آموزگار قرار می‌گیرد. و چون عقلش بخوبی شکفته نشده و صلاح و فساد خود را به درستی تشخیص نمی‌دهد، پدر و مادر آمرانه به او تذکر داده و او باید فرمان والدین را اطاعت کند.

اما در هفت سال سوم نشانه‌های جوانی و بزرگسالی در او پدید می‌آید. لذا احساس مسئولیت می‌کند و در تدبیر زندگی همکار والدین می‌باشد.

از بکار بردن کلمهٔ وزیر چند نکته را می‌فهمیم:

الف - جوان تشخیص طلب و استقلال جواست.

ب - نباید با او آمرانه برخورد کرد.

هیچ چیز بیش از حق رأی در تربیت آنان مؤثر نیست. باید در خانه و مدرسه به آنها حق اظهار عقیده داده شود. البته استقلال دادن به جوان به این معنا نیست که وی در تمام اعمالش آزاد باشد تا به میل خود به هر محیط فاسدی برود، زیرا جوان که عقلش نسبت به احساساتش ضعیف است، همواره در معرض سقوط قرار دارد. جوان اغلب پایان کار را نمی‌بیند و از تشخیص بسیاری از بدیها و خویها عاجز است. پس مراد از وزیر بودنش آن است که هم شخصیتش مورد احترام باشد و هم اختیار صد در صد نداشته باشد، بلکه تصمیم نهایی با والدین است.

سختگیری بی مورد، زور گویی و ستم، تعدی و خشونت والدین نسبت به جوان یکی از دو نتیجه را به بار می‌آورد:

الف - جوان بر اثر فشارهای طاقت فرسای روحی و نظارت‌های خسته کنندهٔ والدین، نیروی مقاومت خود را از دست داده و تسلیم شرائط موجود می‌شود. او اگر چه سازگار و سربزیر می‌شود ولی استعدادهای خود را از دست می‌دهد و یک انسان نالایق بار می‌آید.

ب - جوان در مقابل سختگیری‌ها می‌ایستد که در نتیجه باعث اختلاف در خانواده می‌شود. عربده‌ها و فریادهای، تندی و خشونت، اشک و زاری، هیجان و ناراحتی برنامه عادی چنین خانه‌هایی خواهد بود!

بعضی پدران بخاطر عقده خود کم‌بینی، خشن و تندخو هستند. برای ابراز قدرت در خانه، با اهل منزل بدرفتاری می‌کنند، فریاد می‌کشند، دشنام می‌دهند. گاهی بچه‌ها را کتک می‌زنند! و گاهی در محیط منزل ایجاد رعب و هراس می‌کنند! لغزش یا اشتباه کوچک را بزرگ تلقی کرده و چشم‌پوشی نمی‌کنند. مثلاً پدر اگر بخواهد بخوابد، انتظار دارد که همه اهل خانه ساکت باشند و اگر صدایی بلند شود، طوفان پیا می‌کند! ولی اگر دیگران خواب باشند، استراحت دیگران برایش ارزشی ندارد! کودکان این خانه‌ها بر اثر سختگیری بی‌مورد والدین، خشمگین و عصبی بار می‌آیند و همواره در خود احساس حقارت نموده و این حس بصورت عقده در آنها باقی می‌ماند!

البته تا کوچک هستند نمی‌توانند در مقابل رفتار خشن پدر نیرومند خود عکس‌العملی نشان دهند، اما زمانی که پا به سن جوانی می‌گذارند، برای اینکه در خانه بخاطر عقده حقارت خود، ابراز وجود کنند، قانون خانواده را به محل مشاجره و ناسازگاری تبدیل کرده و کار به آنجایی کشد که فرزند در مقابل پدر می‌ایستد! راه حل این معضل به دو طرف برمی‌گردد. دو طرف باید خودسری و لجاج را ترک کنند و از تمایلات نادرست خویش چشم‌پوشند تا بتوانند با همکاری یکدیگر مشکلات را حل کنند.

در بررسی روی 105 پسر و دختر جوان که خلاف بزرگی را انجام داده بودند، متوجه شدند که تقریباً 91 درصد جوانان مجرم از اختلالات عاطفی شدید رنج می‌برند. یعنی هم از حیث عاطفی مورد بی‌مهری قرار گرفته بودند و هم احساس ناامنی و حقارت داشتند!

عکس‌العمل والدین در برخورد با خلاف فرزندشان!

چنانچه فرزند عمل خلافی را انجام داد چگونه باید با آن برخورد نمود؟ مثلاً خانمی در تماس با مشاوره اظهار داشت که مدتی است، متوجه شده که پسر دبیرستانیش استمناء می‌کند! تکلیف این مادر چیست؟ در پاسخ باید گفت که مراحل در برخورد با این خلفها وجود دارد که اگر رعایت شود شاید موفقیت آمیز باشد. یکی مسئله توجه به ازدواج جوانان است که در هنگام نیاز جنسی آنان، باید بفکر راه و چاره بود و دیگری آشنا کردن آنها با حرام و حلال اسلام و اینکه این اعمال، چقدر زشت بوده و عواقب بد دنیوی و اخروی دارد و در غیر این‌دومورد نیز باید مراحل تشویق و تنبیه برای ترک این اعمال انجام شود.

«در روایت است که پسران وقتی به شش سالگی رسیدند نباید در یک بستر بخوابند.»

«کودکت را تا هفت سال آزاد بگذار سپس هفت سال مداوم با او کار تربیتی بکن. اگر به تربیت تن داد سعادت مند است والا در او خیری نیست!»

8- تأکید بر نماز خواندن فرزند

«وامر اهلک بالصلوة واصطبر علیها» طه 132

یعنی خانواده ات را امر به نماز نما و بر این مسئله مداومت کن.

مسئله نماز از مهمترین نشانه‌های تربیت صحیح است. در خانه‌ای که والدین نماز

خوانده و تا کودک به سن بالا برسد مرتب او را به خواندن نماز امر می‌نمایند، امید به هدایت و سعادت فرزند هزاران بار بیشتر است تا خانه‌ای که اگر چه پدر و مادر خود اهل نمازند ولی فرزندان خود را رها کرده‌اند و باصطلاح آنان را آزاد گذاشته‌اند تا خود مسیر درست را انتخاب نمایند و این بزرگترین اشتباه سرپرست خانواده است که نوجوانی را که اصلاً نمی‌تواند خیر و صلاح خود را تشخیص دهد و از طرفی نماز زحمتی برای اوست، آزاد بگذارند به این امید که روزی برسد که خود نوجوان به نماز گرایش پیدا کند!

خداوند در قرآن کریم به پدران دستور می‌دهد که خود و خانواده خود را از جهنم نجات دهید:

«یا ایها الذین آمنوا قوا انفسکم واهلیکم نارا وقودها الناس والحجارة» تحریم 6

ای مؤمنین! خود و خانواده تان را از آتش جهنم دور نگه دارید.

«رسول خدا(ص): در هفت سالگی فرزند را به خواندن نماز تمرین دهید و در ده

سالگی در صورت نماز نخواندن، بر آنان سخت گرفته شود و حتی 'آنان را با زدن هم شده به نماز وادار کنید.»

9- نظارت کامل بر معاشرت فرزندش

«امام پنجم(ع): با کسی معاشرت کن که تو را می‌گریاند و خیر خواه توست! و با کسی که تو را می‌خنداند

و فریب می‌دهد، معاشرت منما!»

«امام هفتم(ع): از مواضع تهمت و شک پرهیزید و حتی ' در کوچه با مادر خود نایستید! زیرا همه نمی‌دانند که این زن مادر توست! »

«علی(ع): بدترین رفیق کسی است که معصیت خدا را در نظر تو، خوب جلوه دهد!»

«امام سجاد(ع): با چند رفیق رفیق نباش! 1- دروغگو که مثل سرابست و با دروغهای خود، تو را فریب می‌دهد و دور را برای تو نزدیک و نزدیک را برای تو، دور می‌کند. 2- فاسق که تو را به یک وعده غذا بلکه کمتر، می‌فروشد! 3- بخیل که تو را در هنگام سختی، رهامی کند. 4- احمق که می‌خواهد بتو سود برساند ولی زیان می‌رساند.»

10- نظارت بر استفاده فرزند از رسانه‌های صوتی

و تصویری و رایانه و استفاده از موسیقی مبتذل و شرکت در

پارتهای منحرف کننده

1- «پیامبر اسلام(ص): غنا(موسیقی حرام) پله کان زنا است.»

2- «امام صادق(ع): خبیث‌ترین مخلوق خدا، غنا(موسیقی حرام) است. و بدترین مخلوق خدا غنا است که باعث فقر و نفاق می‌شود.»

3- «امام صادق(ع): خانه‌ای که در آن غنا(موسیقی حرام) باشد، از فاجعه ایمن نمی‌باشد و دعا در این خانه مستجاب نمی‌شود و ملائکه به این خانه وارد نمی‌گردند.»

10- «امام خمینی: از جمله چیزهایی که مغز جوانها را تخریب می‌کند، موسیقی است... انسان را از جدیت بیرون می‌برد. یک جوانی که عادت کرده روزی چند ساعت را با موسیقی سروکار داشته باشد، از مسائل جدی به کلی غافل می‌شود.»

ضعف اعصاب و اختلال حواس و بی ارادگی از عوارض موسیقی

«دکتر ولف آدلر، پروفیسور دانشگاه کلمبیا می‌گوید: بهترین و دلکش‌ترین نو‌اهای موسیقی، شوم‌ترین آثار را روی سلسله اعصاب انسان باقی می‌گذارد.»

«دکتر آلکسیس: اصولاً شنیدن موسیقی و کنسرت، در اعصاب اثر تخریبی ایجاد می‌کند. این اثر گاهی آنچنان شدید است که شنونده رمانند افراد بهت زده می‌سازد و لذت فوق العاده‌ای که افراد از آن می‌برند از همین اثر تخریبی

است و روشن است که اینگونه تخدیرها زیانهای فراوانی دارد و اگر شدت یابد گاهی ممکن است عقل و اندیشه را اسیر جذبه آهنگهای تند موسیقی کند و دیگر نتواند خوب وبد را از هم تشخیص دهد و بی پروا دست به حرکات و اعمال ناشایست بزند و در آن حال نتواند به عواقب وخیم آن بیاندیشد.

گاهی موسیقی باعث جنایت می شود.

11-جدیت در امر ازدواج فرزندان

«رسول خدا(ص):اگر فرزند خواستار ازدواج باشد و پدر توانائی مخارج ازدواج او را دارد ولی امتناع کند و فرزند مجردش به معصیت و گناه آلوده شود،معصیت او را در نامه عمل پدرش می نویسند،»

12-جدیت در امر یاد دادن قرآن و آداب اسلامی مانند:

آداب معاشرت، آداب خوردن و آشامیدن، آداب ازدواج، آداب تجارت و معاملات، تاریخ اسلام و تاریخ ایران و صدها مورد اطلاعات مفیدی که براساس آنها، اعتقادات و روش زندگی فرزندان بنا نهاده می شود.

«یکی از مؤمنین می گفت که وقتی ما بچه بودیم در روستا زندگی می کردیم، پدرمان ملایی را از شهر آورد و خرج مسکن و غذا و حقوقش رابه عهده گرفت تا او در چندماه بما قرآن بیاموزد. و او هم این کار را انجام داد و ما دوبرادر قرآن را در کودکی فرا گرفتیم»

از امام صادق علیه السلام پرسیدند آیا فرزند می تواند پدرش را پاداش دهد؟

[زحمات او را جبران کند] فرمودند: پاداشی برای پدر نیست جز در دو صورت

: یکی پدر برده باشد و پسر او را بخرد و آزاد کند و دیگری پدر بدهی داشته

باشد و پسر آن را بپردازد.

از امام صادق علیه السلام پرسیدند پدرم به حدی پیر و ناتوان شده که او را

برای قضای حاجت به پشت می بریم ؟ فرمودند: اگر توانی خودت این کار را

مباشرت کنی بکن و خودت برایش لقمه کن تا سپر آتش فردایت باشد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: با پدرها خوش رفتاری کنید تا فرزندان با

شما همان کند

امام صادق علیه السلام از امام علی علیه السلام روایت کرده که فرمودند:

مرده هایتان را از زیارت کنید که آنان به زیارت شما خوشحال می شوند و هر

کس حاجت خود را در نزد قبر پدر و مادرش پس از آنکه برای آنان دعا کرد

از خدا بخواهد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: با پدران خود نیکی کنید تا به عوض -120

فرزندان شما با شما نیکی کنند و نسبت به زنان مردم پاکدامن باشید تا زنان

خودتان پاکدامن بمانند.

امام صادق علیه السلام فرمودند: کسی که دوست دارد خداوند سختیهای

مرگ را بر او سبک و آسان گرداند باید نسبت به خویشاوندانش زیاد پیوند

داشته باشد و به پدر و مادرش نیکوکار و هرگاه چنین بود خداوند سختیهای

مرگ را بر او آسان گرداند و هیچگاه فقر و نداری به او نرسد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: هر کس با سه کس ستیزه کند خوار گردد:

پدر، پادشاه، طلبکار.

بادعای پدر، علامه شد!

«پدر علامه مجلسی بنام حجة الاسلام محمدتقی مجلسی شبی در سحر مشغول مناجات بود. ناگاه احساس کرد که در این حالت دعایش مستجاب است. بفکر فرو رفت تا چه دعائی بکند. در این حال گریه پسرش محمدباقر بلند شد. پدر دعا کرد که خدایا! پسر مرا فقیه قرار بده!

این پسر بزرگ شد و از فقهای بزرگ اسلام گردید.»

نگاه با محبت به والدین نیز علاوه بر آثار مثبت دنیوی، ثواب اخروی نیز دارد. حتی برای هر بار نگاه با محبت به والدین اگر چه بارها تکرار شود ثواب یک حج مستحبی نوشته می شود.

کسیکه گناہانی مرتکب شود چنانچه پشیمان شده باشد، بهتر است برای مقبول شدن توبه خود، به والدین خود محبت نماید.

همچنین نیکی به والدین باعث تقرب الی الله می گردد.

جوان با نفرین پدر شل شد!

روزی علی(ع) در حال طواف بود که صدای التجاء و مناجات و التماس جوانی را شنید. امام از او درباره گرفتاریش سؤال کرد.

او گفت: من سالم بودم ولی آنقدر پدرم را اذیت نمودم که او مرا نفرین کرد و من فلج شدم. پدرم تصمیم داشت تا روزی به کنار کعبه بیاید، و برای شفایم دعا کند ولی قبل از این کار، از دنیا رفت. حال من مانده ام این پاهای شل!

امام به او دعای مشلول را یاد دادند که آنرا بخواند. او این دعا را خواند و پیامبر را در خواب دید که حضرت دستی بر پاهای او کشید و او شفا یافت.»

«امام چهارم دیدند که نوجوانی بنحو بی ادبانه ای به پدرش تکیه کرده است. بعد از این امام هیچگاه با آن جوان صحبت نکردند تا جوان از دنیا رفت.»

مرحوم کافی و پدر

«مرحوم کافی می گفتند: هرگاه پدرم که یک نفر کاسب ساده ای است، به تهران می آید یا من به مشهد می روم، در جلو زن و بچه و برادر و خواهر خم می شوم و مکرر دست پدرم را می بوسم.»

امام صادق علیه السلام فرمودند: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که گناہان

کبیره پنج چیز است: برای خدا ی عزوجلّ شریک قرار دادن و نافرمانی

پدر و مادر و ربا خواری، پس از آنکه بداند حرام است و فرار از جنگ و

بازگشت به محیط کفر پس از مهاجرت به محیط اسلام.

امام صادق علیه السلام فرمودند: ملعون است کسی که والدینش را بزند و کسی که آزار به آنها رساند.

گوش دادن به حرف پدر در ازدواج و راز رسیدن به مرجعیت

مرحوم آیت الله بروجردی (ره) درباره ماجرای ازدواج خود این گونه می گوید: در اصفهان تحصیل می کردم، اساتید آن روز اصفهان کم نظیر بودند، مانند آیت الله کلباسی، مرحوم آقا سیدباقر درچه ای، حکیم بزرگ قشقایی، و حکیم بزرگ ملا محمد کاشانی

من گرم تحصیل در محضر ایشان و عاشق این اساتید بودم، همواره مایه های علمی من بالا می رفت که نامه ای از پدر دریافت کردم- پدر ایشان (که از علما بود) در بروجرد، معاش زندگی را از راه کشاورزی تامین می کرد- در نامه آمده بود: حسین عزیزم به بروجرد بیا، من وسایل عروسی تو را فراهم کرده ام

نامه ای به پدر نوشتم که مرا از ازدواج معاف کنید و اجازه بدهید درس بخوانم، پدر در جواب نوشت: فکر نمی کنی اگر به سخن پدر «گوش ندهی، این مانع تو باشد؟ خدا در قرآن فرموده است: «و بالوالدین احساناً»

بلافاصله به بروجرد رفتم. عروسی که تمام شد، پدرم گفت: حالا می خواهی بروی برو! آیت الله بروجردی بعدها گفتند: بروجردی! شدن (یعنی به جایگاه مرجعیت و رسیدن به قله های بلند علمی) مرهون این خانم بود که پدر من برای من گرفت^{۱۶}

رسول اکرم (صلی الله علیه و آله): روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) در حین عبور از کوچه ای بعضی از کودکان را در حال بازی دید و فرمود: وای بر فرزندان آخرالزمان از پدرانشان عرض شد یا رسول الله (صلی الله علیه و آله) از پدران مشرک آنها فرمود: نه بلکه از پدران مسلمان ایشان که هیچ چیز از فرائض و احکام مذهبی را به آنان نمی آموزند و اگر خود فرزندان به دنبال فراگیری پاره ای از مسائل دینی بروند آنها را از اداء این وظیفه مقدس باز می دارند و تنها به این قانع هستند که فرزندانشان به دنبال کسب و تجارت روند و متاع ناچیزی از دنیا بدست آورند بدانید من از این قبیل پدران بیزار هستم و آنها نیز از بستگی به من بری اند.^{۱۷}

احترام آیت الله مرعشی نجفی به پدر

، آورده اند که ایه الله نجفی مرعشی گفته بود: آن گاه که نوجوان بودم و مادرم از من می خواست پدرم را از خواب بیدار کنم، صدا کردن پدر برایم دشوار بود. از این رو، چهره و گونه هایم را کف پاهای پدرم می مالیدم و با چنین لطافت فروتنانه ای پدرم را بیدار می ساختم. هنگامی که پدرم بیدار می شد و مرا در چنین موقعیت متواضعانه ای می نگریست، با چشم های سرشار از اشک، دست به سوی آسمان بر می افراشت و از

¹⁶ <https://www.mashregnews.ir/news/254419>

¹⁷ مستدرک الوسائل جلد 2 صفحه 625

خداوند متعالی برایم توفیق درخواست می کرد. آیت الله العظمی مرعشی نجفی بارها
 «می فرمود: «موفقیت کنونی من و فراوانی توفیقاتم به برکت دعای پدر و مادر است
 مرحوم کافی می فرمود که هر موقع پدرم نزد من می آید جلو دیگران خم می شوم و
 دستهای او را می بوسم
 مقام معظم رهبری هر موقع پدر خود را می دیدند بسوی ایشان با شتاب می رفتند و
 دستهای ایشان را می بوسیدند.

دو پدر معنوی

در برخی روایات، واژه «آب» به معنای پدر، برای حضرت رسول صلی الله علیه و آله و
 حضرت علی علیه السلام و به معنای پدران معنوی امت اسلام آمده است. پیامبر اکرم
 صلی الله علیه و آله فرمود: «أَنَا وَعَلِيٌّ أَبَوَا هَذِهِ الْأُمَّةِ؛ مَنْ وَ عَلِيٌّ دُوْا پَدْر اَیْن اَمْتِیْم.» بنابراین،
 همان گونه که پدر، اسباب پدید آمدن مادی و فیزیکی ماست و حقوق بسیاری بر ما
 دارد، آن دو بزرگوار، انگیزه پدید آمدن هویت دینی و معنوی ما هستند و ما وامدار
 حقوق عظیم معنوی آنان هستیم. همان گونه که در برابر پدران جسمانی خویش وظایفی
 چونان فرمان پذیری، فروتنی، محبت، سپاس مندی، احسان، بزرگداشت و... داریم، در
 برابر این پدران معنوی نیز چنان وظایفی را بر عهده داریم. البته حقوق این پدران
 معنوی بسیار گسترده تر و پاسداشت آن بسی سخت تر است؛ زیرا سعادت دنیایی و
 اخروی که ره آورد اسلام است و زندگی ما را سرشار ساخته، همه دستاورد رنجها،
 تلاش ها و مجاهدت های آن عزیزان است. همچنین با از دست دادن پدر جسمانی،
 فرزند یتیم می شود و در چرخه زندگی آفت ها می بیند. با گسست معنوی، اعتقادی و
 عملی از پدران معنوی نیز انسان، بی هدف، بی راهنما و بی پناه می شود.

مربی و معلم به منزله پدر

در فرهنگ اسلامی، افزون بر تأکید بر تکریم و احترام پدر حقیقی، برای پاسداشت برخی دیگر از افراد اثرگذار در تکوین شخصیت انسان، از آنان با واژه پدر یاد و به تعظیم و اکرامشان سفارش شده است. در روایتی آمده است: «به راستی پدران، سه نفر هستند: پدری که عامل پیدایی ما شده است (پدر حقیقی)؛ پدری که ما را پرورش داده است (مربی) و پدری که به ما آموزش داده است (معلم)». همچنین در برخی روایات، تکریم برادر بزرگ‌تر را توصیه کرده و او را به منزله پدر شمرده‌اند.

در فرهنگ اسلام به آیین راه رفتن با پدر و مادر نیز اشاره شده است. در روایات می‌خوانیم: «جلوتر از پدرت راه مرو» یا «در راه رفتن از پدر و مادر پیشی نگیر». «همچنین در روایت دیگری آمده است: «فرزند نباید جلوتر از پدر راه برود».

واجب بودن اطاعت پدر

واجب بودن اطاعت و فرمان‌پذیری فرزندان از پدر، از حقوق ویژه‌ای است که اسلام برای تکریم و پاس‌داشت مقام پدران وضع کرده است. حضرت علی علیه‌السلام در این باره می‌فرماید: «حق پدر آن است که فرزند در هر چیز جز معصیت خداوند از او اطاعت کند». گفتنی است در فقه اسلامی به احکام ویژه‌ای برمی‌خوریم که با هدف عزیز و ارجمند شمردن پدر، اهمیت مقام او را گوشزد می‌کند. برای مثال، اگر پدر، فرزندش را از سفری نهی کند و فرزند اطاعت نکند و به سفر رود، باید نمازش را تمام بخواند و روزه‌اش را بگیرد؛ اگر چه سفر او از حد مسافت شرعی بیشتر باشد؛ چون این سفر، حرام است. یا اگر فرزند در نماز نافله باشد و پدر و مادر او را فرا خوانند، باید نماز را بشکند و به آنان پاسخ دهد. همچنین لازم است فرزند، قسم و عهد بدون اذن پدر را ترک گوید.

واجب بودن تأمین هزینه های زندگی پدر

اگر پدر و مادر به هر دلیل، ناتوان و تهی دست گردند، پرداخت هزینه زندگی آنان که در فقه اسلامی از آن به نفقه تعبیر می‌شود، بر فرزندان واجب است. نکته جالب توجه دیگر آنکه در روایات بسیاری تصریح شده است که وقتی پدر نیازمند شد، می‌تواند در دارایی‌های فرزند تصرف کند. حتی در برخی روایات آمده است پدر می‌تواند از مال فرزندش حج بگذارد. در فلسفه این حکم می‌توان گفت فرزند با همه هستی‌اش، وام‌دار وجود پدر است. این سخن پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله است که به فرزند می‌فرمود:

«انْتَ وَ مَالُكَ لِأَبِيكَ؛ تو و دارایی‌ات از پدرت

وجود پدر ۴۰ برابر امن تر از خانه ایست که ۴۰ قفل دارد، وجود مادر ۴۰ برابر راحت تر از هتلی است که ۴۰ پرسنل دارد

پدر و مادر یعنی امنیت و آرامش

..قدرشونُ بدونین